

دوره نهم تقظیه

جلسه ۱۲۷

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

شنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۱۳ - ۲۹ ذقعدہ ۱۳۵۳

شماره مسلسل : ۶۷۱

قیمت اشتراك } سالیانه
داخه : ۲۰۰ ریال
تارجه : ۱۰۰۰ ریال
تک شماره : دو ریال

مطبوعه مجلس

این کار است انجام خواهند داد (صحیح است) و تمام آموخته هستیم برای انجام این کار (صحیح است) آقای رئیس تجارت.

۳- تقدیم لایحه اصلاح قانون تصدق صدور از طرف آقای رئیس کل تجارت
رئیس کل تجارت (آقای مین) - بواسطه تزلزل قیمت نقره و فنزل اسعار و تأخیری که در روی صادرات خواهد داشت قیمت محترم دولت تصدیق کرده اند را مخ تصدیق صدور که آن را باید در فوریت تقدیم مجلس میکنم.
(لایحه را تقدیم مقام ریاست آورده و تقریب ذیل برآل شد)

۴- طرح و تصویب لایحه اصلاح قانون معاملات تصدق صدور
ساحت مجلس شورای ملی

اوضاع و احوالی که در امر تجارت بواسطه تزلزل قیمت نقره و فنزل قیمت اسعار خارجی پیش آمده دولت شاهنشاهی را متوجه نموده است که بیگانه است نسبت به قیمت خرید و فروش تصدق صدور تغییر و تبدیلی لازم شود و باین واسطه مختصر اصلاحاتی در بعضی از مقررات قانون انحصار تجارت خارجی بنظر رسید که دولت بتواند عنداللزوم به مقتضای حال اقدام نماید اینک اصلاحات مزبور را در ضمن دو ماده ذیل به مجلس محترم شورای ملی پیشنهاد نموده تقاضای تصویب آن را بخدمت در فوریت پیشنهاد.

ماده ۱- دولت مجاز است در طرف هر سال اقتصادی قومی را که بموجب مواد (۱) و (۲) قانون ۱۹۰۹ بر ماب ۱۳۰۳ برای خرید و فروش تصدق صدور تعیین کرده یا بکنند تغییر بدهد.

تغییر قیمت خرید تصدق صدور بمنحصراً نسبت به تصدق صدور مالی مؤثر خواهد بود که جنس در نوع آن پس از اعلان تغییر قیمت صادر شود.

ماده ۲- بند (ج) از ماده واحده تصویب ۸ اسفند

ماده ۱۳۱۳ راجع به اصلاح ماده (۸) قانون انحصار تجارت خارجی بطریق ذیل اصلاح میشود
اداره کل تجارت بکلی است از تاریخ تصویب این قانون با اراعات شرایط مذکور قانونی میزان تصدق صادرات و پنج به پنج تصدق صدور جواز ورود به درخواست میکنند بدهد.

دولت مجاز است میزان فوق را از سوی خود ترقی بدهد
رئیس - اوریت مطرح است. آقای کاشف
کاشف - در فوریت عرضی ندارم.

رئیس - آقای نیکبورد
نیکبورد - در فوریت عرضی ندارم.
اورنگ - بجای این است.

رئیس - رأی میکنیم. آقایانیکه با فوریت اول موافقت برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد فوریت دوم مطرح است...

اورنگ - آهم مخالفی ندارد.
رئیس - مخالفی نیست. رأی میکنیم. کسانیکه با فوریت دوم هم موافقت دارند برخیزند (عدم زیادی برخاستند) تصویب شد. مذاکره در کلیات است. آقای کاشف.

کاشف - بنده خیلی لشکر میکنم از قیمت مصدق دولت که این لایحه را تقدیم جمعی کردند و از تقاضای نظر تجارت غیرمستقیم صادرات مسأله لوی الماده میباشد همانطور که آقای وزیر محترم مالیه در فراکسیون توضیح دادند چون اسعار روز به روز تنزل است و ترقی نقره در فنزل اسعار تأثیر دارد و فنزل اسعار بالتبعیجه لطیف و نگی بزرگی صادرات میباشد میزان باید وسیله دیگری باشد که این تعادل را نگاه بدارد از حسن اتفاق تصدق صدور در این جهت که میتواند تعادل را حفظ کند و از آن طرف هم همانطور که آقای وزیر مالیه توضیح دادند در فراکسیون نمی شود دائماً همیشه اسعار را بیک مطنه و نرخ مصنوعی بنگاه داشت چون اینهم خیلی مضرت است از تقاضای نظر قاضی

نقره از ممالک است پس از این لحاظ این لایحه خیلی مضرت است برای ممالک و برای صادرات عمومی و باید از طرف خود و رفتاری خود عرض بشود بکنم ولی بانکهای در این قسمت بود که میخواستیم بهرین برسام و امیدوارا کنیم که توضیح بفرمایند تا بعداً اشکالی پیدا نشود. البته دولت مجاز است اجازه می خواهد که نرخ تصدق صادرات را به نسبت فنزل یا ترقی اسعار که البته در صادرات خیلی مؤثر است تغییر بدهد در لایحه بانک اجمل و انجمنی پیشنهاد داده است از تقاضای نظر محبتیکه معلوم است این تغییر دائمی خواهد بود به نسبت ترقی یا فنزل اسعار یا در بانک دولت مجاز است برای زمان تعیین خواهد بود.

آیا این ترقی یا فنزل که داده میشود برای دولت یا سو جام است یا خیر عرض می کنم که این تغییر و فنزل زیاد شد قیمت دولت تصدق میکنیم و میزان را بالا بردن یا پایین می آورند این قسمت را میخواستیم توضیح بفرمایند.

فمنبت دیگر اینکه میخواستیم بدانیم آیا این تغییری که دولت در نظر دارد و البته از لحاظ فنزل یا ترقی اسعار هم باز به منظور تثبیت قیمت صادرات است آن فرعی هم که بانک خودش در نظر بگیرد آنچه البته از تقاضای نظر مجازا بکنم برای صادرات بدها برقرار خواهد شد آنچه تغییر خواهد کرد یا نه این قسمت را هم بنده لازم میدانم توضیح دادم شود و بانک سؤال دیگری هم که از آقای وزیر مالیه داشتم راجع بآن مسأله بفرموده بود که از تصدق صدور هم که بنده بعنوان جبرائیل واردات جمعی و همچنین متبانی که لازم بود داده شود خواهان سؤال کنم که آیا این مسأله بفرموده تا کنون (که حساب آن البته در جهت ادراک کل تجارت است) تکلیف و ممانعت را کرده است یا جمعی ما کلیه یعنی از این مسأله بفرموده است البته اگر بعضی از این متقدر است که همیشه تقابل داد این میزان را چون باید تکلیف کند و چون آقای وزیر مالیه فرمودند که دولت در حدود است که حتی الباقی هم کند هر این صورت هم باز بنده می خواستم بدانم که این

صدی بازده خود اعلی که در فراکسیون صحبت شد گفت بعد از فوریت لزوم با ممالکهای که در سال اقتصادی است خواهد بود و اینها کالی خواهد بود یا نه
بطور خلاصه عرض میکنم که:

اولاً - راجع به این تغییر مطنه اسعار تصدق صدور توضیح بفرمایند که آیا اینجا هر تغییری در شرط بانک دولتی خواهد بود یا اینکه هر وقت اسعار بیک میزان قابل ترقی و فنزل کرد همان موقع قیمت دولت این تصدق را بکند که تصدق صدور را بالا ببرد یا پایین بیاورد یا غیره و کول و موانع بعدی همین خواهد بود.

انیساً - اینکه تفاوت خرید و فروش که بانک از تقاضای نظر مجاز برای بعضی اجناس صادره تعیین میکنند این تفاوت هم تغییر خواهد کرد در ضمن تغییر قیمت تصدق صدور یا نخواهد کرد و ثابت خواهد ماند.

دیگر اینکه صدی بازده مالی هم که در طرح می شد و فنزل هم در اول است آیا این تکلیف و ممانعتهای وارده را کرده است یا نکرده است و اگر نکرده است در سال آتی اقتصادی این صدی بازده کالی خواهد بود یا نخواهد بود.

ولی مالیه - بنده قبل از اینکه به سؤال آن بپردازم محترم جواب بدهم باز این را بکنم تذکری لازم میدانم بهرین آقایان برسام و میخواستیم این جا چند کلمه راجع به علت اصلی این پیشنهاد و این لایحه توضیح بدهم برای اینکه در دست بر همه مطالب روشن شود و آقایان هم اگر قبلاً زیاد توجه بفرمایند باین توضیحات که بنده توضیح بفرمایند و اشخاصی هم که در خارج مجلس هستند در دست بفرمایند که برای چه دولت این لایحه را آورده است از چندین بیتی باین طرف قبلاً نظر در بازار بین المللی بکنم تفاوت خیلی بنظم و محسوس بکند و بالتبعیجه پول ایران که نقره است بواسطه ترقی نقره در بازار بین المللی بفرود آید دیگر اسعار خارجی نسبت به پول ایران فنزل میکنند و ما خود بفرمودیم در حال گذشته هر بانک

تومان و هفت تومان معامله شد و پالین آمد و چند روزی به هفت تومان و چهار لیران برده است که پالین آمده است و دبروز باز پالین آمده است هفت تومان و یک لیران برده است و هم بطور شاید پالین بیاید ولی اگر میخواستیم قیمت واقعی نقره را در نظر بگیریم و پولهای خارجی را بمساب واقعی معامله کنیم شاید امروز قیمت لیره باید پنج تومان و شش لیران باشد چرا بانک غیر از این کرد برای توجه صادرات بانک ملی یک مؤسسه صرالی که از نقطه نظر منافع خصوصی خودش کار میکند نیست بانک ملی مملکت است و ضعیفیات اقتصادی مملکت ارضاع خارجی مملکت را که البته همیشه در نظر میگردد و باید همیشه حافظ و نگهبان رخصت اسعاری و پول مملکت باشد از این نقطه نظر البته بانک میخواست بواسطه این که نقره بالا رفته و اسعار خارجی پالین آمده یک مرلیه یک نترلی بگذارد در اسعار خارجی بطور خیلی محسوس در ایران پیش بیاید چرا؟ برای اینکه صادرات بهش لطمه میرسد مسم است یک کسی که بکمال قبل یک چلی را ببرد و یک لیره در عوضش میگرفت و آن یک لیره را می آورد در بازار ایران هشت تومان میفروخت و بعد هم هفت تومان صدیقی صدرش را می گرفت که آن را هم از رفتی که دولت تصویب کرد هفت نصد دینار و از آنطرف هم هفت ریال و بیست دینار هم میگردد که مجموعاً این جنسی را که صادر کرده بود ازش هفت تومان و هفت ریال و بیست دینار پول بپسدا میگردد اگر بانک می آمد و قیمت حقیقی لیره میزان لیره یا اسعار دیگر خارجی را نسبت به نقره از راه لفظ ملاحظه فرار میداد و میگفت حالا شما باستی بپایید و شش تومان و نیم در بهای لیره خودتان با اسعار خارجی دیگر بگیریید بفرموداش این میگردد که این شخص که این جنس را برده بود که پیش از یک لیره در بازار خارجه فروخته بود و این شخص عرض این که یک هفتاد ریال پیدا کند و صد هم صدیقی صدرش را به همان میزان بفروشد حالا یک شش تومان و نیم

پیدا میگردد و صدیقی صدر شش تومان و نیم را هم از فرار تومانی نصد دینار میگرفت در نتیجه مقدار کمی پول دستش می آمد آنوقت چه میشد یا جنس خریدم بوده است قبلاً و ناچار بود و صادر کرده بود این چیز را رویش گذارده بود ضرر بود از برایش با این که جنس نفرویده بود و از برای آبه میخواست تجارت کند آنوقت اجناس ما را ارزانتز میخرید ناچری که بمساب لیره هشت تومان پنبه را بقیمت معینی میفروید و فکر میکنید وقتی صکه ببردیم لیره ختم بعد لیره برگرداندم هشت تومان است در ابراش وقتی که دید لیره شش تومان و نیم داده میشود طبیعتاً آن جنس را ارزانتز میفروید حالا اگر ما معادله را در نظر بگیریم در دو بودجه هر کس نگاه کنیم معادله دیگر در جنسهای واردی با سایر صادراتش با تجارت دیگر اگر عامه دو ابران اجناس خارجی زیاد استعمال میکردند از برای ما تفاوت نمیکرد و میگفتیم راست است صادرات ما ارزانتز شده پنبه ارزانتز خریدم شده از کسی که پنبه را تولید کرده است ولی در عوض او هم ماهوتی که از خارج میفروید ارزانتز میفروید راست است اما عامه ابرانی و اکثریت ابرانی را که بگیریم اجناس خارجی انقدر استعمال نمیکند دهانی ابران قند و چای و پارچه های پنبه خارجی را استعمال میکنند ماهوت را آلبان و بنده میپوشیم از برای ما هیچ تفاوت نمیکرد مبلعی هم اگر ارزانتز میشد اگر دولت هیچ کاری نداشت و صدیقی صدر را دست نمیزد لیره هم ارزانتز میشد اگر اجازه میداد بوطین بیاید بوطین که سابقاً یک لیره می آمد و لیره هم هشت تومان فرضاً بود حالا می توانستیم همان بوطین را شش تومان و نیم بدهیم البته خوب بود اما آن کسی که اکثریت مملکت را تشکیل میدهد و دولت هم همیشه او را در نظر میگیرد او بوطین خارجی هیچوقت نمیپوشد اجناس خارجی انقدر استعمال نمیکند ولی اجناس صادراتی ما را او تولید می کنند و نتیجه این میشد که اگر دولت این فکر را نمیکرد و با بانک جنس را آزاد میگذاشت و یک اجناس وارداتی ارزانتز میشد که آن

کمی اصلاً بآن احتیاج داشت. این بود که بانک و دولت خواستند یک فکری از برای صادرات بکنند که اگر ما حالا ما این پول را بحدال طبیعی خودی ول کنیم و اسعار خارجی پالین بیاید صادرات ما صدمه وارد بیاید. البته نمیتوانستیم و نمیتوانستیم هم که بطور تصنی هم همیشه این پول خارجی را بانک بخواند بیشتر از قیمت واقعی خودش نگاه بندارد چون این مسئله باعث ناچاری نقره میشد نقره صرف میکرد و بخارج میبردند فرض بفرمائید بکنفر میتوانست صد لیره آن جا چیز بفروشد فرضاً از قرار اسیره هفتاد و پنج ریال و هفتصد و پنجاه تومان پول بگیرد و با همان مبلغ در خارج ابران میتواند یک مقدار زیاد نقره لیره بخرد آنوقت با این هفتصد و پنجاه تومان بیش از صد لیره گیرش می آمد مجدداً آن لیره ها را از آن جا برمیگرداند می آورد این جا و با یک قیمت گرانتر از واقع میفروشد و از سر عمل خودش را تکرار میکند پس اصولاً این مطلب باعثه از بین رفتن جنس نقره یا پول نقره از مملکت میشود که اینهم مصلحت نبود پس ما باید کاری بکنیم که نگذاریم ناچاری نقره صرف بکند چه باید بکنیم؟ ول کنیم اسعار خارجی را بقیه می که طبیعت از برایش همین میکند؟ و همین که این صادرات را یک کاری بکنیم که بهش لطمه نرسد نشستم و گفتیم و فکر کردیم که چه بکنیم؟ فکر کردیم از راه بالا بردن صدیقی صدر ما حالا تومانی نصد دینار (نصد دینار) امروز برای هر تومانی نصد دینار داده میشود در مقابل این را باید بگوئیم که اگر صادر کننده در قسمت اسعار در قسمت اسعار خارجی ضرر کرده بواسطه فروشی صدیقی صدوری صکه بیشتر از آن خریدم می شود ظاهر برده و ضررش جبران میشود در قانونی که واقع به نسبت نرخ اسعار در همین امسال گذشت قیدی بود که مانع بود از اینکه دولت بتواند نرخ را بالا ببرد برای اینکه همین قیمت را مجلس شورای ملی نظر دولت واگذار کرده بود ولی همان قانون دولت را منع کرده است از این که در ظرف سال اقتصادی قیمت را بالا ببرد در این لایحه که امروز پیشنهاد

شده است دولت پیشنهاد کرده است که این منع برداشته شود و هر وقت که مصلحت دولت قیمت صدیقی صدر را بالا ببرد برای چه؟ برای اینکه جبران کند ضرر صادراتی را بواسطه تقلیل قیمت اسعار که بتواند اینکار را بکند. یکی دیگر هم عراض بنده را جمع است بآن ستولانی که آقای نماینده محترم فرمودند و بنده باید جواب بدهم و توضیح عرض کنم آنوقت گمان میکنم تکلیف را انجام داده باشم. توضیح اول بنده برای این بود صکه مطلب روشن شود و چرا بانک در این مدت سر کرده است این کار را بکند باز تکرار میکنم اگر بانک ملی ایران نبود و صرفاً از نقطه نظر منافع خودش کار میکرد و هیچ کار دیگری نداشت که صادرات این مملکت و تاجر این مملکت و تجارت این مملکت بچه روزی می افتد و میباید می اگر باین موضوع کار نداشت در چندین ماه پیش قیمت را پائین بیارند و یک بهران خیلی بزرگی از نقطه نظر اقتصادی در مملکت ایجاد کند. نماینده محترم سؤال فرمودند که خوب حالا به بینیم از برای قیدی که دولت تعیین میکند این را برای یک مدتی معین میکنند یا هر روز بالا و پائین میبرد؟ بنده عرض میکنم نه این وقت آن اگر ما یک همچو مدتی معین کنیم ده روز و یا نترده روز باشه ماه اگر مدت خیلی کمی باشد که تقریباً ثبات ندارد اگر هم خیلی طولانی فرار بدهیم مدت را ممکن است در این ضمن یک پیش آمد هائی از نقطه نظر اسعاری و بازار نقره پیش بیاید که ما بخواهیم و تا کثیر باشیم تغییر بدهیم آنوقت چه باید بکنیم پس بنا بر این مدت نمیتوانیم تعیین کنیم. از طرفی هم هیچ نظر دولت این نیست که اگر بکفران باز تفاوت در فلان ضرر خارجی پیدا شد فوراً بیاید و یک تغییری در صدیقی صدر بدهد چرا؟ برای این که دولت در عین این که میتواند صادرات کمک کرده باشد میل دارد تا ممکن است حسابهای تجارتی را بشود معین کرد و یک ثباتی از برایش دوبین باشد. بنا بر این قیمت را که میخواهد تغییر بدهد تا وقتی که یک ضرورت فوق العاده و یک تغییرات

خیلی زیادی در بازار اسعار نرفته باشد باعث نشود که قیمت را تغییر بدهد البته تغییر نمی دهد و گمان نمیکنم غیر از این هم صلاح باشد زیرا اگر مدت را عرض کردم کم قرار بدهیم که فایده ندارد طولانی هم قرار بدهیم همانطور که امروز ناچاریم بیانییم و بگوئیم اجازه بدهید در وسط سال هم ممکن است يك همچو الزامی پیش بیاید اما راجع به تفاوت بین خرید و فروش این تفاوت را قطعاً دولت در نظر دارد بهمان نسبت که هی اسعار بالا و پائین میروند بالا و پائین میروند و نظر دولت این است که با همان میزانی که الان هست (نه این نسبت پنجاه درصد) همان مبلغ باشد با بکشافی بیشتری کند ولی آفرای ثابت نگاه دارد حتی الامکان دولت نمیبخورد يك عامل تزلزل دیگر هم اضافه کند راجع به قسمت معافیتها و آن صدی پانزده که در آن پیشنهاد اجازه گرفته شده است که دولت بتواند بالا ببرد البته دولت این اجازه را خواسته است برای این که تمام حسابهاش را بکند پیش بینی هایش را بکند اگر دید آن میزانی که معافیت داده میشود آن کمتر است از گذشته این میزان صدی پانزده را که الان کسر میکند برای این است که آن معافیت ها جبران شود این میزان بالا میبرد اگر دید غیر میزان همانطور هست و نباید بر این صدی پانزده بیفزاید نخواهد کرد البته این را نباید در نظر گرفت.

رئیس - آقای بیکپور

بیکپور - در قانونی که در پانزدهم میرسانه تصویب شد حق تغییر قیمت سلب شد از دولت و مقرر شد حق نداشته باشند در ظرف مدت سال اقتصادی در قیمت تغییرانی بدهند از این لحاظ که يك ثباتی در وضع صادر و وارد و مصرف کننده و تولید کننده باقی باشد حالا این تریب موجب شده است که آن وضع تغییر نکند و در ظرف سال اقتصادی دولت مختار باشد که هر وقت میخواهد این تغییر را (چه از حیث خرید و چه از حیث فروش) بدهند بمقبضه بنده اگر يك موجباتی باعث شده است که

پول بیشتر بشود و بزیرم بزخم فلان کارمان اما شما مبداید که نه وزارت مالیه احتیاجی به پول دارد و نه اینکه این پول را از برای این منظور ها قانون معین کرده و مسلم است که ما بر خلاف قانون نمی آیم از يك عملی برداریم و بيك کار دیگری بزیرم و این صرفاً از نظر بهبودی وضعیت صادرات است و هیچ دلیل نداریم از برای این که بخواهیم آن را بالا ببریم یا اینکه واقعاً بخواهیم آن را متزلزل کنیم چون این توضیح را دادم تصور میکنم که آقا فتاعت کنند یعنی توضیح نیست باطمینانی که بنده دادم فتاعت کنند مثل این است که نوشته شده باشد اما راجع به قسمت دوم که میفرمایند ابهامی دارد این عین همان ماده سابق است بعلاوه يك نکته که برش اضافه شده و علتش این است که این عبارت را بهر شکلی که بخواهیم بنویسیم تصور نمیکنیم از عباراتی که نوشته شده بود روشنتر بشود. حالا به بینیم کجا ابهام دارد ماده را میخوانم: اداره کل تجارت مکلف است از تارخ تصویب این قانون با مراعات شرایط مقرر قانونی بمیزان صدی هشتاد و پنج بمبلغ تصدیق صدرر جواز ورود به درخواست کننده بدهد این عین آن ماده سابق است و آن قسمت تازه هم این است:

دولت مجاز است میزان فوق را ناصدی صد ترفی بدهد حالا اگر مبهم باشد و آقا يك پیشنهاد دیگری داشته باشند بعبارت بهتری بنده موافق دولت هم موافق است اما عمیدانم چطور روشنتر میکنند؟

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - البته تصدیق صدرر همانطور که يك جایزه برای صادرات است يك حمایتی هم برای يك اجناس داخلی میشود یعنی مصنوعات داخلی مملکت را حمایت میکنند تصدیق صدرر يك فایده اش این است که کمک صادر کننده میکند و یکی هم اینکه حمایت میکند از صنایع داخلی حالا البته وقتی که اسعار خارجی خیلی پائین آمد بایستی کمک کنند صادر کننده ها و در حقیقت مصنوعات داخلی مملکت و این بسیار مفید و صحیح است

اما بنده عرض می کنم که حارم بنده معتقدم در قوانین تجارتی و اقتصادی اینقدر اطمینان و استحکام اگر درش باشد و متزلزل باشد برای معامله کنندگان تعریبی ندارد آن سؤالی که آقای کاشف کردند و جوابی که فرمودند که دولت نظر ندارد که يك فران کم و زیاد تغییر بدهد این بمقبضه بنده کافی نیست بمقبضه بنده باید يك میزان و تناسبی قائل شویم مثلاً گفته شود که اگر تا يك خمس ترفی و تنزل کرد آنوقت تغییر بدهند چنانچه حالا که اسعار خارجی بیش از يك خمس تنزل کرده است تغییرش میدهند این بسیار خوب است بعد ها هم اگر باز يك خمس ترفی کرد یا تنزل کرد باز بتواند تغییر بدهند زیرا آن کسی که باید پول بدهد و جنس بگیرد جنس بیاید غیر از این تریب فایده نمیبورد تاجر که این اندازه ها فایده نمیبورد يك فایده مختصری میبرد و این ترفی و تنزل ها را هم اگر اطمینان نداشته باشد او را بکلی متزلزل میکند و جرئت نمیکند کار کند پس نباید بدانند که تا يك تفاوت معلناهی در اسعار پیدا نشود دولت در قیمت و خرید و فروش تصدیق صدرر تغییر نمیدهند این يك نظریه بود بمقبضه بنده که اگر يك میزانی و تناسبی قرار بدهند عیبی ندارد پایه اش هم بیشتر محکم میشود و مانع از اجرای نظریه دولت هم نمیشود که همیشه احتیاج داشته باشد از برای اصلاح و ترفی و تنزل ترفه یا ترفی و تنزل اسعار که تصدیق صدرر را تغییر بدهد ولی طوری باشد که همینطور يك اختیار خیلی نام و ناموسی داشته باشند و یکی هم موضوع ما به الزامی است که آقای بیکپور تذکر دادند و اطمینان دادند و این اطمینان بمنزله تصریح قانونی است زیرا دیگر قیمت اضافی مربوط ترفی و تنزل اسعاری نیست بکن هم بنده میخواستم سؤال کنم که آن ما به تفاوت که برای ترفی صادرات منظور شده است مبلغ کافی و قابل شده است یا نشده است عرض دیگر بنده راجع بآن صدی پانزده بانی بود البته آن دفعه هم که آن قانون اصلاح شد بنده عرض کردم که آن قسمت

معاذک صادرات و واردات را باید در نظر گرفت حالا این قانون آری ازین بیرون و معلوم میشود که دولت میخواهد فعالی ما را کنار کند و بی جهت هم اشخاصی را که صادرات میکنند در مضیقه بگذارد ولی تا صدی صد بنظر من دو اشکال دارد یکی اولاً صدی صد معلوم میشود که مناسب ندارد در صورتیکه خیال نمیکند تا آنها برسد و آنگاه تفاوت واردات و صادرات قطعاً زیاد میشود و یکی هم اینکه بطور ایتر اجرا میکنند که تبعیض نباشد بنظر من و آنگاه عیب بود که کسی بتواند جنسی را که صادر کرد تا صدی صد مثلاً تصدیع صدور بدهد و این روی گفتن آن است یا اینکه در يك مواقع مخصوصی است چون اینها چیزهایی است که در خارج تأثیر دارد بنده خواستم تذکر بدهم که توضیحی بفرمایند.

وزیر عالییه - فرمودند خیلی خوب است که در اینجا جایی معین شود. و آنچه به قیمت تصدیع صدور که بنسب ترقی و تنزل نمره حد وضع شود برای اینکه يك ثباتی در امور تجاری پیدا شود. متأسفانه مثل این میباشد که نماینده محترم فراموش کرده اند که ما در چه عصری در دنیا داریم زندگی میکنیم. در هیچیک از امور تجاری امروزه دنیا ثبات نیست فرض بفرمایند الان در یکی از ممالک هستند در اروپا که پولشان بر پایه فرانک است (خیلی هستند از ممالک بزرگ) يك روز پول شما نسبت به فرانک فرانسه که عجبالتاً يك ثباتی دارد بيك قیمت است. سه روز بعد پنج درصد پائین میآید چهار روز بعد دو درصد بالاتر رفته از قیمت اخیرش و يك هفته دیگر هشت درصد بالاتر رفته و تغییر کرده است مقصود این است آن بجای که چند سال پیش در حسابهای تجاری بین المللی بواسطه ثبات پول بود امروزه یکی از بین رفته است همه دنیا گرفتار این کارند و سعی میکنند در حدودی که ممکن است قدری وضعیت خودشان را (اگر بتوانند) ثباتی ثبات کنند. ولی اینکه شما خیال کرده باشید در يك همچو دنیایی يك ثباتی بتواند تمام امورش را بطوری

منظم کنند که يك ثبات قطعی و منظمی در کارش باشد این محال است. این خدی که عجبالتاً ما داریم کار میکنیم یعنی بواسطه تصدیع صدور جنسی ما می کنیم يك تنزل اسماری را یا اگر روزی شکل دیگری پیش آید بواسطه تنزل آن يك ترقی را چیزی را میکنیم این باز مربوط بيك اصولی است که بواسطه قانون انحصار تجارت خارجی در این مملکت غیر است و باید دالت که خیلی از ممالک این وضعیت را هم ندارند و مشکلاتشان خیلی بیش از اینهاست است که شما تصور نمی فرمائید و بنده خیال میکنم بهتر است هیچ حدی فعلاً معین نکنیم برای اینکه اگر همچو پیش آمده هائی که حالا پیش آمده پیش نیاید بتوانیم از خدی بعد دیگر تغییر و تبدیل بدهیم و محتاج نباشد هر دقیقه يك تکلیفی معین کنیم. البته تذکر خیلی خوب است اما خود دولت هم متذکر است. بعلاوه خود جنس هم ترقی و تنزل دارد آخر ملاحظه بفرمائید يك وقتی يك پولی است (پول خارجی) که از بابت فلان جنس بمن میدهند ولی ما میآوریم اینجا و بدل می کنیم به پول خودمان که خود آن پول بواسطه تنزل اسمار خارجی تنزل کرده است. ولی يك وقتی است که خود جنس هم ممکن است این وضعیت را پیدا کند مثلاً پنبه در سال پیش يك قیمت داشت ولی امسال قیمت زیاد تری پیدا کرده پس تنها نباید مسئله پول را در نظر گرفت فرضاً بطور قطع یکی را چاره کردیم دیگری را چکار کنیم؟! مگر بازار دنیا دست ما است که ترقی و تنزل بالا رفتن و پائین آمدن او را هم حساب کنیم. به عقیده بنده همین اندازه که پیش بینی شده خوب است و بگذارید باشد. اما اینکه سؤال فرمودند که از این تفاوت بین خرید و فروش چه مبلغی جمع شده است بنده آن قسمت صحیحش را بخاطر ندارم باید در حدود يك میلیون تومان باشد ولی اگر بخاطر هم میداشتم نمیکندم چرا بنده در این مسافرت که بطرف جنوب رفته بودم آقایان بی رقم فوشچی باشی هستند اما به معنای دیگر همه تقاضا

دارند که آنفلان جنس يك کمکی بکنند به بعضی از اجناسی که واقلاً خیلی خوب هم بفروش میرسد مثلاً يك کسی میگفت بیایند به بیابند جواز بدهید گفتیم چرا؟ ممکن است حالا که من اینجا خدمتستان رسیده ام شما يك حرفی بمن بگویید یا يك تعارضی بمن بکنید که من خوشم بیاید من هم يك چیزی بگویم شما خوشتان بیاید ولی نه این بد است اقلاً نمیکوم تقاضاتان غلط است زیرا شما اصلاً نباید يك همچو فکری را در دفاع یکی از اعضاء دولت نسبت بخودتان ایجاد کنید این زشت است. شما وقتی آمدید و يك تقاضائی کردید که بفلان دلیل معین فلان جنس محتاج باین است کمک شود این حرفی است و الا چون شما يك جنسی دارید آنوقت دولت بیاید از فلان محل بآن جایزه بدهد این برای چه؟ حالا هم اگر بدانند برای جایزه پولی موجود است از فردا میبایند داشته در ب اداره تجارت را از پا در میآورند. جایزه برای بهبودی صادرات است و اینکه بهتر جنس تهیه و رقم بندی شود از برای این کارها است نه اینکه يك جنس است و يك جایزه این را تقسیم کنند بین خودشان. اما راجع به صدی صد قدمت اخیر لایحه که میفرمائید این را ما نوشته ایم برای اینکه همیشه اعمال کنیم البته بنده هیچوقت خیال نمی کنم که دولت این را صدی صد بالا میبرد ولی ممکن ما حد اغلاشی را در نظر گرفتیم و نوشتیم مسلم است این همیشه برای این نیست که ما فوراً بیاییم و بآن حدش برسایم. بجهت اینکه همیشه يك معافیهائی خواهد بود و بایستی يك معافیت هائی در کار باشد و طبیعتاً بایستی يك همچو ذخیره در مقابلش داشته باشیم. اما راجع باین صد هشتاد و پنج که سؤال فرمودند و فرمودند تبعیض می شود بنده این را نمی بینم برای اینکه ما گفتیم این میزان را دولت باید ببرد. فرض بفرمائید يك روزی دولت حساب می کنند می بیند هشتاد و پنج درصدی که الان دارد کم است بهتر این است در مقابل يك کسی که می آید صد ریال تصدیع صدور می آورد بود و ریال پیش جواز بدهد. ممکن است این طور حساب کند و بطور کلی

اعلان کند بر اینکه نسبت به تمام اشخاص که جواز ورود می خواهند این کار را خواهند کرد. بدین است دولت تبعیض بگریز نیست به همین که در صد و شصت و پنج به سخن دیگری ۸۶ در صد مورد بهورد که این کار را نخواهد کرد هر کاری نمیکند بطور کلی خواهد بود و بطور کلی که باشد دیگر خیال تبعیض باقی نمی ماند.

جنسی از نمایندگان - مذاکرات کالی است.
السر - کالی نیست.
دکتر ظاهری - عرض داشتم
رئیس - مقدم بر شما هستند.
دکتر ظاهری - در کفایت مذاکرات عرض دارم
رئیس - بفرمائید
دکتر ظاهری - بنده اینکه گفتیم کالی نیست برای این برد که در این عرضی که کردم: ممکن است تبعیض شود و خیلی واضح جواب فرمودند خبر نمیشود لازم است عرض کنم که اینطور نیست زیرا اگر ما اول سال اقتصادی قرار بدهیم این تصدیق دولت را این تبعیض نیست ولی شش ماه صکه گذشت يك عده جنسشان را صادر کرده و در هشتاد و پنج گرفته اند بعد دولت میگوید از این بعد صدی صد باید بدهند و این تبعیض میشود. و مقصود از عرض بنده این بود که دولت موقعی این کار را باید بکند که اول سال باشد و یا موقعی باشد که پیش بینی کار را نموده باشد والا تبعیض است
وزیر عالییه - نماینده محترم بمنوان اینکه مذاکرات کالی نیست مذاکره خودشان را کردند و اگر خیال کردند که بواسطه زرنگی ایشان بنده مطلب را ناقص میگذارم همچو نیست و بنده توضیح بدهم اولاً ایشان اشتباه کرده اند زیرا هیچوقت در مقابل صد ریال جنس صادراتی هشتاد و پنج ریال نمیدهند و همیشه صد ریال میدهند. همین تریب و نسبت مشمول وارد کننده هم میشود. وارد کننده نه این است که باید بیاید تصدیع صدور بیاورد و اداره تجارت؟ آنوقت جواز پیش میدهند میروند

تصدیق صدور میخورد (صدریال تصدیق صدور میخورد) وقتی که آورد هشتاد و پنج درصد بهش میدهند پس نسبت صادر کننده جنس هیچ تغییری نمیکند (کافی است) رئیس - اشکالی نیست (گفته شد - خیر) آقایانیکه بورود در مواد موافقت دارند برخیزند (جمعی قیام نمودند) تصویب شد. ماده اول فرائض میشود.

ماده (۱) - دولت مجاز است در طرف هر سال اقتصادی قیمتی را که بموجب مواد (۱) و (۳) قانون ۱۹ بر ماه ۱۳۱۳ برای خرید و فروش تصدیق صدور معین کرده بایکند تغییر بدهد.

تغییر قیمت خرید تصدیق صدور منحصرأ نسبت به تصدیق صدور هائی مؤثر خواهد بود که جنس موضوع آن پس از اعلان تغییر قیمت صادر شود.

رئیس - آقای افسر

افسر - چون در کلیات نوبت به بنده نرسید و در این ماده موقوفش است عرض میکنم دولت در این چند سال در سه امتحان کرده که خیلی بموقع بوده آن امتحانات را هم در اینجا بنماید تا موجب ضرر نشود یکی راجع به باندرول تریاک بود که يك نرخ ثابتی در ولایات نداشت و قیمتش ممکن بود تغییر کند قانون دیگری آوردند مثلاً در اسفهان شیراز ممکن بود اشکال پیدا کند از مد نظر صاحبان تریاک و باندرول ولایتی امتحان دوم راجع به بانک بود از مد نظر قیمت یعنی قیمت طلا که چندی قبل قانونشرا آوردند چون نرخ معین نکرده بودند يك روزی ۲۱ و بکروز ۷۵ ریال می گفتند یا بالعکس يك نرخ ثابت در کار نبود و این خیلی اسباب زحمت شده بود بجهت اینکه قاچاق صرف میکرد در کرمانشاه با از شیراز بیوشهر یا از خراسان به نقطه دیگر قاچاق میشد چون نرخ ثابت نداشت ولی وقتی که ثابت شد حسن اثر داشت حالا میخواهم سؤال کنم در این تصدیق صدور هم اگر يك نرخ ثابتی نباشد آیسکتنه به تجارت نخواهد زد یعنی مردم که میخواهند معامله کنند وقتی که نمیدانند قیمت تصدیق صدور چیست تا چطور

چه اندازه ضرر خواهد کرد اگر اینطور باشد که هیچکس تجارت نمیکند و در هر حال باز چون خودتان فرمودید که اگر احتمال ضرر نمیدهیم بگذاریم همینطور باشد مناسبت احتمال ضرر نمیدهیم و همینطور باشد بهتر است.

رئیس - پیشنهادی از آقای طهرانی رسیده است.

مقام منبع ریاست محترم مجلس شورای ملی

در ماده اول اضافه شود از تاریخ تصویب این قانون قیمت اجناس صادری بنسب ترقی و تنزل اسعار و همچنین تصدیق صدور از طرف دولت تعیین و اعلان خواهد شد رئیس - بفرمائید.

طهرانی - عرض کنم لایحه که دولت دادند و آقای وزیر مالیه توضیح دادند اسفندشان باین بود که از نقطه نظر حمایت از طبقه زارع و قلاح و تولید کننده این لایحه بمجلس آمده است چون برای اینها استعمال اجناس خارجی چندان ضرورتی ندارد خیلی اجناس خارجی را استعمال نمیکند و این مسئله را ما باید تفکیک کنیم که وقتی قیمت لیره در خارج تنزل کرد طبیعی است اجناس صادره ما که تنزل نمیکند ممکن است از همان تولید کنندگان هم ارزان بخرند این يك منفعتی است برای تاجر و آن نظری که آقای وزیر مالیه دارند که طبقه تولید کنندگان از بین رود و منافعتشان تأمین بشود بنده گمان میکنم بصرف این لایحه منظور حاصل نشود بنا بر این پیشنهاد کردم که همینطور بهمان نسبتی که بتصدیق صدور شما اضافه میکنید یکجیزی را بهمان نسبت هم بکنفر خرید کننده از قلاح باید گران بخرند و متکی باین نشود که چون قیمت پنجه در بازار تنزل کرده حالا خریداری شصت تومان است سابق صد تومان بوده است تصور میکنم اگر این نکته را رعایت نکنند آن نظری که دارند تأمین نمیشود.

وزیر مالیه - نماینده محترمی که قبل از آقای طهرانی فرمایش کردند ثبات مطلق را خواستند آقای طهرانی تنزل مطلق را می خواستند آقای افسر می خواستند يك طوری باشد که بطور ثابت قیمت تصدیق صدور ولیره و اینها معین باشد

برای یکمدتی آقا می خواهند هر نیمشاهی که در اسعار خارجی ترقی و تنزل پیدا شد تصدیق صدور هم ترقی و تنزل پیدا کند بنده خیال میکنم که همانطور که آن صحیح نیست اینرا هم آقا اصرار فرمایند ولی این را هم عرض کنم که از برای تاجر میسر نیست که بیهانه اینکه اسعار خارجی تنزل کرده است بخواهد اجناس داخلی را ارزان بخرد چرا؟ بدو دلیل که هر دو بر میگردد بيك اصل که اصل رقابت باشد بکیش این است که اولاً تاجر بکسی نیست يك تاجری اگر خواست این حرف را بزند که اسعار خارجی ارزان شده است بنا بر این پولی را که من پرورز میدادم امروز نمیتوانم بدهم و فراموش کنند که تصدیق صدورش بالا رفته است تاجر دیگری هم بود با يك منفعت کثرتی قناعت می کند و جنس را می خرد در نتیجه این رقابت اصلاح میکنند این یکی و یکی دیگر دولت اخیراً بدست بانک فلاحی دو سه شرکت بزرگ تشکیل داده است شرکت صادراتی مهم که هر کدام از این آقایان بنده اینجا عرض میکنم اگر خیال این را میکنند که این کار را بکنند بکلی آن شرکت دولتی خودشان خواهد کرد می خرد بقیمت بالاتر و ممکن نیست که دولت بگذارد. علت تشکیل این شرکتها چه بود برای چه دولت آمد و یکمقدار زیاد و اکثریت سرمایه بانک فلاحی را گذاشت آنجا برای اینکه اگر افراد خواستند سوه استفاده بکنند آن شرکتها باشند و نگذارند ولی باوجود این عرض میکنم این برای استحکام کار است ولی اگر این هم نبود باز طبیعتاً اینطور واقع نمیشد.

طهرانی - پس میگویم.

رئیس - آقایانیکه باماده اول موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوم: ماده ۲ - بند (ج) از ماده واحده مصوب ۸ اسفند ماه ۱۳۱۲ راجع باصلاح ماده (۸) قانون انحصار تجارت خارجی بطریق ذیل اصلاح میشود:

اداره کل تجارت مکلف است از تاریخ تصویب این قانون با شرایط مقرر قانونی بمیزان صدی هفتاد و پنج ببلع تصدیب صدور جواز ورود بدرخواست کننده بدهد.

ذات مجاز است میزان فوق را تا صدی صد ترقی بدهد.

رئیس - آقای کاشف

کاشف - بنده در اینجا سوال خیلی مختصری دارم که تصور میکنم در اصل مداخلات خیلی مؤثر باشد برای بنده خیلی معلوم است ولی لازم دانستم توضیح بدهند که هر وقت قیمت خرید تصدیب صدور تغییر کرد باز بهمان قیمت خواهند خرید و قیمتی که بانک برای فروش زمین خواهد کرد شامل تمام تصدیب صدورها خواهد بود یا فقط نسبت بتصدیب صدور هائی که بالاتر یا کمتر خریده است شامل میشود فرض بفرمائید حالا دولت تصمیم گرفته حد را بالا ببرد این شامل آن تصدیب صدور هائی هم که در دست بانک است خواهد بود یا خیر؟

ولیر عالیله - بدون گفتگو شامل خواهد بود.

رئیس - آقایانی که با ماده دوم موافقت دارند قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. مذاکره در کلیات ثانی است (گفته شد - محذوف نیست) بنابراین آقایانی که موافقت دارند ورقه سفید خواهند داد.

(اخذ آراء بعد آمدن ۹۱ ورقه سفید تعداد شد)

رئیس - عده حاضر در موقع اعلام رای ۱۰۴ نفر با کثرت ۹۱ رای تصویب شد.

[۵ - معرفی آقای امین مهندس به سمت ریاست اداره صناعات]

رئیس - آقای رئیس الوزراء فرمایشی دارند.

رئیس الوزراء - عظام آقایان محترم از توجه کای و اهتمامات عالیة اغلب حضرت همایون شاهنشاهی نسبت بامور اقتصادی بخوبی مسبوق است (صحیح است) و میدانند که براسفله همین توجیهات ملوکانه در طرف چهار پنج سال اخیر در امور اقتصادی چقدر ترقیات حاصل شده است (صحیح است) منجمله امور صنعتی که تا چهار پنج سال قبل می توان گفت که در این مملکت عدم صرف بود امروز بیک وجود مهمی شده است (صحیح است) بحمدالله کارخانه های عدیده دائر شده و کارخانهای عدیده دیگر هم در نظر است که دائر شود و خواهد شد نظر بتوسعه که امور اقتصادی در تحت توجهات ملوکانه پیدا کرده است و خواهد کرد اینطور مقتضی است یعنی کار و فعالیت بیشتر شده است و بیشتر ضرورت پیدا کرده است و بنا بر این تقسیم کار بنظر میآید که مقتضی باشد و آقایان محترم سابقه دارند که یکی از اصول و قواعد علم اقتصاد تقسیم کار است که هر چه کارها بیشتر تقسیم شود بهتر و زودتر انجام میشود تا وقتی که صنعت ما معدوم بود یا چیز نا قابل بود البته اقتضای این را نداشت که اداره صناعت بیک استقلال داشته باشد

باین واسطه صناعت و فلاحات باینکه یک روزی بود که تمام امور اقتصادی در تحت یک ریاست واحد و یک وزارت واحد بود و حالا تقسیم شده است و توسعه امور صنعتی فعلی و مخصوصا با توسعه که در نظر است بهد ها ایجاد شود در امر صناعت ایجاد کرد که اداره صناعت یک اداره مستقلی شود تا چند روز قبل از این اداره فلاحات و صناعت و معادن یکی بود و توسط یک نفر اداره میشد حالا این طور اقتضا پیدا کرد که اداره صناعت و معادن مستقل باشد و اداره فلاحات مستقل که هر یک از آنها بتوانند تمام اوقات خود شان را بیشتر مصروف بیک رشته کنند این بود که شاید آقایان هم بیشتر مسبوق بودند البته که این در اداره از هم جدا شد و اداره فلاحات تحت ریاست آقای بیات کماکان باقی ماند نظر باینکه تخصص ایشان در

امور فلاحات بیشتر بود و خدماتشان در آنجا مفید تر و از برای اداره صناعت یک رئیس مستقلی لازم شد معین شود این است که حسب الامر اغلب حضرت اقدس شاهنشاهی این عمل انجام گرفته است و آقای امین مهندس را که همه آقایان میشناختند و از تخصص و امانت ایشان آگاه هستند به سمت ریاست اداره صناعت بمجلس شورای ملی معرفی می کنم.

[۶ - ختم جلسه - تعیین موقع و دستور جلسه بعد]

رئیس - اگر اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده فردا سه ساعت قبل از ظهر دستور بودجه مملکتی (مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

اسامی رأی دهندگان - آقایان: سید محمد تقی طباطبائی - خرونی - سلطانی - شیرازی - مرانی - تقی الاسلامی - مسعود کتبی - یثامی - تریانی - افشار - منصف - کاشف - شاهرودی - سهرارخان ساکینیان - مژدهی - نواب یردی - بیات - افتخار - ماسری - دکتر قول ایلیغ - میرزا موسی خان سرآت - حاج محمد رضا بیهانی - تازی - حاج میرزا حسین خان فاطمی - کازرونیان - کمال - نوبخت - خواجوی - دکتر ملک زاده - ملک مدنی - پور مرتب - دکتر طاهری - مولوی - دکتر بهرامی - منجم مسعودی خراسانی - دهستانی - منجم سنک - اعتبار - دکتر شیخ - دکتر سنک - پختیار - طباطبائی دیا - سرآت استغذری جرجانی - دادور - بهرامی - خرفی - محسن خان فراکوزار - علوی سبزواری - دکتر سیمی - لاریجانی - میرزائی - اقبال شوقی - لوکائی - دکتر امیر اعظم - تربیت - منیر فرزند - دانش خان - خجری - کفائی - نیک پور - محسن خان مهدوی حمزه ناش - جیشیدی - دهستانی - میرزا طبغان وکیلی - وزید نوایی - مجید ضیائی - دکتر ادهم - دبیر بهرامی - دکتر لندانی - میرزا بانس - یاک ماکو - ملک زاده آملی - صفاری - سید کاظم یردی - اورنگ - وفیری - فرشی - اعظم زنگنه - افندی - امیر ابراهیمی - رهنا - فدایت - دولتشاهی - هزار جریبی - طهرانی - لیلوانی - حاج محمد تقی وفای زاده

قانون

راجع به تصدیق صدور

ماده اول - دولت مجاز است در ظرف هر سال اقتصادی یعنی را که بموجب مواد ۱ و ۲ قانون ۱۹ تیر ماه ۱۳۱۴ برای خرید و فروش تصدیق صدور معین کرده (بگند تغییر بدهد .
تغییر قیمت خرید تصدیق صدور منحصراً نسبت به تصدیق صدور هائی مؤثر خواهد بود که جلس موضوع آن پس از اعلان تغییر قیمت صادر بشود .
ماده دوم - بند (ج) از ماده واحده مصوب ۱۸ اسفند ماه ۱۳۱۲ و اجح اصلاح ماده (۸) قانون انحصار تجارت خارجی بطریق ذیل اصلاح میشود :
اداره کل تجارت مکلف است از تاریخ تصویب این قانون (شرایط شرایط مقررده قانونی میزان صدی هشتاد و پنج به مبلغ تصدیق صدور جواز ورود به درخواست گذنده بدهد .
دولت مجاز است میزان فوق را تا صدی صد ترفی بدهد .
این قانون که مشتمل بر دو ماده است در جلسه چهاردهم اسفند ماه یکهزار و سیصد و سیزده شمس بمصوب مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی - خاندگر